

تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خواننده بر مسئولیت مدنی

محمد عیسائی تفرشی^{۱*}، محمد رضا شرافت پیمای^۲، محمود صادقی^۳

۱- دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- استادیار گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۸۵/۱۱/۲۸

پذیرش: ۸۶/۳/۹

چکیده

مقاله حاضر به یکی از مسائل مهم و مورد ابتلا در حقوق مسئولیت مدنی می‌پردازد و آن عبارت است از دخالت قوه قاهره همراه با تقصیر خواننده در ایجاد خسارت که از مصادیق تعدد اسباب در ورود خسارت است. سؤال مهمی که در صورت دخالت اسباب متعدد در بروز خسارت مطرح می‌شود، ماهیت مسئولیت هر یک از این اسباب است. در پاسخ به این سؤال، دو نظریه مسئولیت کامل و مسئولیت جزئی مطرح شده است. بر اساس نظریه اول، هر سبب، ملزم به جبران کل خسارت است و بر مبنای نظریه دوم، هر سبب، تنها باید قسمتی از خسارت را جبران کند. به اعتقاد نگارندگان، نظریه سببیت جزئی با اصول حقوقی کشور ما انطباق دارد.

کلید واژه‌ها: قوه قاهره، تقصیر، سببیت، مسئولیت کامل، مسئولیت جزئی.



۱- مقدمه

هدف این مقاله بررسی یکی از مصادیق تعدد اسباب، یعنی همراهی قوه قاهره با تقصیر خوانده در ایجاد خسارت است. موضوع مقاله را در قالب یک مثال توضیح می‌دهیم: فرض کنیم سدی تخریب و آب پشت آن جاری و موجب ورود خسارت به روستاهای واقع در مسیر آب سد شود. در نظریه کارشناسی اعلام می‌شود که دو عامل به‌طور مساوی در تخریب سد مؤثر بوده است: (۱) عدم رعایت اصول فنی و به کارگیری مصالح غیر استاندارد به‌وسیله پیمانکار، (۲) وقوع زلزله. سؤال اصلی مقاله این است که زیان‌دیدگان حادثه چه میزان از خسارت خود را می‌توانند از پیمانکار مقصر مطالبه کنند. در پاسخ به این سؤال، دو نظر در حقوق قابل طرح است:

۱. تأثیر قوه قاهره در وقوع حادثه نادیده گرفته می‌شود و بنابراین زیان‌دیدگان می‌توانند تمام خسارت خود را از پیمانکار خطاکار بخواهند (نظریه مسئولیت کامل)
۲. قوه قاهره در جبران خسارت زیان‌دیدگان مؤثر است و زیان‌دیدگان فقط می‌توانند بخشی از خسارت خود را از عامل انسانی مطالبه کنند (نظریه کاهش مسئولیت).

با توجه به مطالب بالا، برای تحقق موضوع بحث، احراز سه عنصر ضروری است:

- (۱) وجود قوه قاهره، (۲) تقصیر مسئول حادثه که یک عامل انسانی است، (۳) تأثیر هر یک از آن دو در ایجاد خسارت. بنابراین، چهار فرض از موضوع بحث این مقاله خارج است: (۱) قوه قاهره وجود نداشته باشد، (۲) قوه قاهره موجود بوده اما در ایجاد خسارت نقشی نداشته باشد، (۳) قوه قاهره منشأ خسارت باشد و شخص به‌ظاهر مسئول، مرتکب تقصیری نشده باشد، (۴) همان فرض سوم، با این تفاوت که تقصیر شخص مذکور نقشی در ورود خسارت نداشته باشد.

پس از بیان شرایط تحقق موضوع، برخی مفاهیم ضروری (بندهای ۲ و ۳)، مسأله تعدد اسباب و ماهیت تعهد هر یک از آنها (بند ۴)، و تأثیر قوه قاهره بر مسئولیت خوانده مقصر و مبنای آن (بند ۵) بررسی خواهد شد.

۲- مفهوم و شرایط قوه قاهره

در این قسمت، نخست مفهوم قوه قاهره، و سپس شرایط آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- مفهوم قوه قاهره

اصطلاح قوه قاهره که در برخی از قوانین کشورمان، مانند مواد ۲۲۷، ۲۲۹ و ۶۱۵ از قانون مدنی به آن اشاره شده، ترجمه عبارت فرانسوی «فورس ماژور»^۱ در حقوق فرانسه است. قوه قاهره دارای دو معنای عام و خاص است؛ در معنای عام، قوه قاهره به معنای حادثه خارجی غیر قابل اجتناب و غیر قابل پیش‌بینی است؛ اما در معنای خاص به حوادث غیر قابل اجتناب و غیر قابل پیش‌بینی اطلاق می‌شود که منتسب به شخص معینی نبوده، از نیروهای طبیعی به وجود آمده باشد [۱، ص ۳۹۵].

۲-۲- شرایط قوه قاهره

از تعریفی که درباره قوه قاهره بیان شد، شرایط آن نیز به اجمال معلوم می‌شود. در اینجا فقط به توضیح مختصری درباره هر یک اکتفا می‌گردد. قوه قاهره باید دارای سه ویژگی باشد: (۱) غیر قابل اجتناب بودن، (۲) غیر قابل پیش‌بینی بودن، (۳) خارجی بودن.

۲-۲-۱- غیر قابل اجتناب بودن

قوه قاهره، حادثه‌ای مقاومت‌ناپذیر و غیر قابل دفع بوده، جلوگیری از وقوع آن برای خواننده امکان‌پذیر نیست. البته عدم قدرت بر جلوگیری کردن از حادثه با معیار نوعی ارزیابی می‌شود؛ یعنی اگر انسانی متعارف در همان شرایط و اوضاع

1. la force majeure



و احوال خوانده قرار می‌گرفت می‌توانست از وقوع حادثه به‌طور طبیعی جلوگیری کند یا خیر [۲، ص ۶۰۹؛ ۳، ص ۲۱۷].

این وصف، اساسی‌ترین شرط لازم قوه قاهره است و بیانگر آن است که برای خوانده، امکان مقابله با حادثه زیان‌بار وجود نداشته و چاره‌ای جز پذیرفتن و تسلیم در برابر آن نداشته‌است [۴، ص ۹۰].

۲-۲-۲- غیر قابل پیش‌بینی بودن

برای تحقق قوه قاهره، حادثه باید غیر قابل پیش‌بینی باشد؛ زیرا اگر امکان پیش‌بینی حادثه وجود داشته باشد چه بسا بتوان با احتیاط‌های لازم و اقدامات مناسب از ایجاد خسارت جلوگیری به عمل آورد [۱، ص ۴۰۲]. ملاک غیرقابل پیش‌بینی بودن نیز ملاکی نوعی است؛ یعنی انسانی متعارف اگر در شرایط و اوضاع و احوال خوانده قرار گیرد، نتواند وقوع حادثه را پیش‌بینی کند.

صرف اینکه حادثه در گذشته نیز رخ داده، آن را از غیرقابل پیش‌بینی بودن خارج نمی‌کند. مثلاً سابقه وقوع زلزله در یک منطقه، موجب نمی‌شود که وقوع زلزله در آنجا امری قابل پیش‌بینی تلقی شود؛ زیرا زلزله به قدری به‌ندرت اتفاق می‌افتد که صرف اینکه در گذشته یک یا چند بار روی داده دلیل نمی‌شود تکرار آن هم قابل پیش‌بینی گردد [۳، ص ۲۲۱؛ ۵، ج ۱، ص ۹۹۶].

۲-۲-۳- خارجی بودن

این شرط بدان معنا است که نتوان حادثه زیان‌بار را به شخص خوانده و یا به افراد و اشیایی که مسؤولیت آنها بر عهده او است منتسب کرد. بنابراین، اگر ترمز خودرویی از کار بیفتد و در اثر برخورد خودرو، دیوار خانه‌ای خراب شود راننده نمی‌تواند با استناد به اینکه حادثه زیان‌بار غیر قابل اجتناب و غیر قابل پیش‌بینی

بوده، از مسؤولیت شانه خالی کند؛ زیرا منشأ حادثه، متعلق به او، و مسؤولیت آن بر عهده او است.

البته خارجی بودن بدان معنا نیست که حادثه هیچ‌گونه ارتباطی با خواننده نداشته باشد. برای مثال، اگر سیل خودرویی را به حرکت درآورده، به دیوار خانه‌ای بزند و موجب خسارت شود صرف این که خودرو، متعلق به مالک است مانع از خارجی بودن حادثه نمی‌گردد [۶، ج ۱، ص ۴۹۰].

در صورت تحقق قوه قاهره با شرایط مذکور، باید دید که آیا مسؤول یا خواننده دعوا هم مرتکب تقصیری شده است یا خیر.

۳- مفهوم و عناصر تقصیر^۱

از آنجا که یکی از شرایط تحقق موضوع مقاله، تقصیر خواننده است پیش از ورود به بحث، ابتدا مفهوم و سپس عناصر تقصیر را بررسی می‌کنیم.

۳-۱- مفهوم تقصیر

در حقوق داخلی و حقوق خارجی، تعریفهای متعدد و متفاوتی برای تقصیر بیان شده که یا بر نظریه شخصی و اخلاقی، و یا بر نظریه نوعی و اجتماعی استوارند [۵، ج ۱، ص ۸۷۱ به بعد؛ ۶، ج ۱، ص ۳۳۴ به بعد؛ ۷، ص ۳۱ به بعد]. در تعریفی کلی می‌توان گفت: «تقصیر عبارت است از انجام دادن یا انجام ندادن کاری بر خلاف متعارف». ملاک تشخیص امر متعارف عبارت است از: رفتار انسانی عادی با توجه به شرایط و اوضاع و احوالی که مرتکب در آن قرار دارد.

۳-۲- عناصر تقصیر

حقوقدانان درباره عناصر تشکیل‌دهنده تقصیر اختلاف نظر دارند [۷، ص ۸۱]. برخی تقصیر را دارای دو عنصر مادی و معنوی می‌دانند و برخی عنصر سومی را به آن اضافه می‌کنند که همان عنصر قانونی است.

1. La faute



۳-۲-۱- **عنصر مادی:** منظور از عنصر مادی، انجام دادن یا انجام ندادن کاری است که منجر به ورود خسارت به زیان‌دیده می‌شود و در اصطلاح آن را فعل و ترک فعل می‌نامند. هرگاه فعل به صورت مستقیم (مباشرت) یا غیر مستقیم (تسبیب) منجر به ایراد خسارت شود، مسئولیت‌آور است. اما ترک فعل چنانچه منجر به خسارت شود، در صورتی تقصیر به شمار می‌آید که عرف، انجام دادن آن فعل را ضروری بداند [۷، ص ۱۰۸].

۳-۲-۲- **عنصر معنوی:** عنصر معنوی تقصیر، همان اراده و تمیز است. مطابق نظریه شخصی تقصیر، افراد فاقد تمیز و درک، مسئول واقع نمی‌شوند، لکن طرفداران نظریه نوعی تقصیر که عمل فاعل زیان را با رفتار انسان متعارف می‌سنجند بر این عقیده‌اند که انسان متعارف دارای قوه تمیز و درک است و بدین‌سان نقش اراده و تمیز در ایجاد مسئولیت متجلی و آشکار می‌شود [۶، ج ۱، ص ۳۵۲]. به رغم اختلاف نظر میان دو نظریه مزبور، راهکارهای عملی آن دو درباره جبران خسارت ناشی از عمل اشخاص فاقد تمیز و درک به یکدیگر نزدیک است.

۳-۲-۳- **عنصر قانونی:** فعل زیان‌بار تنها در صورتی مسئولیت‌آور است که نامشروع باشد؛ یعنی برخلاف هنجارهای اجتماعی، اعم از قانون و مقررات، عرف و اخلاق باشد [۶، ج ۱، ص ۳۱۱]. از این رو، تجاوز از قانون به معنای عام از عناصر تشکیل‌دهنده تقصیر است و مشروعیت فعل، اگر چه زیان‌بار باشد، وصف تقصیر را زایل می‌کند.

حال که راجع به عناصر تشکیل‌دهنده موضوع مقاله به اختصار سخن گفته شد، برای روشن شدن موضوع و محل بحث، مطالبی درباره اسباب متعدد ورود خسارت که همراهی قوه قاهره با تقصیر خوانده یکی از مصادیق آن است، بیان خواهد شد.

۴- مفهوم تعدد اسباب و ماهیت حقوقی تعهد در آن

در این قسمت، ابتدا مفهوم تعدد اسباب ورود خسارت، سپس چگونگی مسئولیت هر یک از عوامل و اسباب متعدد، و در آخر مبنای این مسئولیت به ترتیب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱- مفهوم تعدد اسباب^۱

با بررسی خسارت وارد به اشخاص، به سهولت می‌توان دریافت که در عالم واقع کمتر خسارتی وجود دارد که فقط دارای یک علت باشد. اکثر خسارتها دارای اسباب و علل متعدد هستند و سهم هر یک از این اسباب نیز به نحوی است که اگر یکی از آنها وجود نداشته باشد اساساً خسارتی به وجود نخواهد آمد. در حوادث رانندگی این وضعیت کاملاً مشهود است. برای مثال، انحراف یک راننده از مسیر راست به چپ، سبب برخورد و تصادم با خودرو دیگر می‌شود که در حال حرکت با سرعت غیر مجاز است و در نتیجه برخورد دو خودرو، فردی مصدوم می‌گردد. اگر راننده اول، مرتکب خطای انحراف به چپ نشده بود تصادمی رخ نمی‌داد و زیان‌دیده نیز مصدوم نمی‌گردید. از سوی دیگر چنانچه راننده دوم با سرعت مجاز حرکت می‌کرد، می‌توانست از بروز حادثه و صدمات وارد به زیان‌دیده جلوگیری کند [۸، ج ۲، ص ۱۰۶۲]. گاهی هم به رغم اینکه اسباب متعدد، ضرر واحدی را به وجود می‌آورند افراد متعدد در مقابل آن ضرر مسؤول نیستند. برای مثال، جایی که قوه قاهره و تقصیر خوانده هر دو در ایجاد خسارت نقش دارند تعدد اسباب بدون تعدد مسؤولان وجود پیدا می‌کند. به هر حال، اجتماع قوه قاهره و تقصیر خوانده در ایجاد خسارت از مصادیق تعدد اسباب است.

اما ماهیت این مسؤولیت و مبنای آن چیست؟ زیان‌دیده چگونه می‌تواند از مسؤولان متعدد، مطالبه جبران خسارت کند: آیا از هر یک از مسؤولان فقط به اندازه‌ای که در ایجاد خسارت نقش مؤثر داشته، حق مطالبه خسارت دارد؟ اساساً آیا می‌توان براین باور بود که هر یک از اسباب تنها قسمتی از زیان را به وجود آورده است؟ بنابراین، اگر رجوع به یکی از مسؤولان ورود زیان ممکن نباشد، مانند موردی که خسارت از اجتماع قوه قاهره و تقصیر خوانده پدید آمده، خوانده تنها مسؤول همان قسمت از خسارت باشد که سبب ایجاد آن شده است. این مسائل در مباحث آتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

1. La pluralité de causes



۴-۲- ماهیت و مبنای حقوقی تعهد به جبران خسارت در صورت تعدد اسباب

پس از اینکه نقش سببیت هر یک از عوامل مداخله‌گر در ایجاد خسارت احراز گردید، بدون شک مرتکب آن در قبال زیان‌دیده مسئول و متعهد به جبران خسارت است. ماهیت تعهد به جبران خسارت مسئول در صورت تعدد اسباب از دو حالت خارج نیست:

۱. مسئولیت کامل در قبال زیان‌دیده؛ به این معنا که تعدد اسباب موجب معافیت از مسئولیت مسئول حتی به صورت جزئی نمی‌شود، و مسئول، به رغم اینکه تنها یکی از اسباب خسارت را به وجود آورده، مکلف به جبران کل خسارت است؛
۲. مسئولیت جزئی در برابر زیان‌دیده؛ به این معنی که تعدد اسباب موجب معافیت و کاهش بخشی از مسئولیت هر یک از مسؤولان است، یعنی تنها به اندازه‌ای که در ایجاد خسارت نقش داشته مکلف به جبران قسمتی از خسارت است.

۴-۲-۱ مفهوم مسئولیت کامل^۱

در حقوق فرانسه، ماهیت حقوقی تعهد مسؤولان متعدد به جبران خسارت، مسئولیت کامل است. البته، قانون مدنی فرانسه نص خاصی در این باره ندارد [۸، ج ۲، ص ۱۰۹۹]. اما حقوقدانان و رویه قضایی این کشور در نهایت به این نظر رسیده‌اند که هر یک از مسؤولان در برابر زیان‌دیده، مسئول پرداخت تمام خسارت است؛ یعنی تعهد به جبران خسارت در ارتباط بین مسؤولان و زیان‌دیده قابل تقسیم نیست. از طرفی این مسئولیت با امعان نظر در ماهیتش نمی‌تواند مسئولیت تضامنی باشد. بلکه مسئولیت کامل است که حقوق و رویه قضایی فرانسه، اصطلاح لاتین *obligation in solidum* را برای آن برگزیده و بکار می‌برد. «تضامن ناقص»^۲ در مقابل «تضامن کامل»^۳ (مسئولیت تضامنی) اصطلاح دیگری است که در حقوق فرانسه برای بیان مسئولیت و تکلیف هر یک از مسؤولان به پرداخت تمام خسارت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقوق کشورهای عربی، این واژه به «مسئولیت تضامنی»

1. Responsabilité integrale = obligation au tout

2. Solidarité réduite

3. Solidarité parfaite

ترجمه شده [۵، ج ۱، ص ۱۰۵۲]، و در این مقاله نیز اصطلاح «مسئولیت کامل» برای آن انتخاب شده و به کار می‌رود.

مسئولیت کامل پدیده‌ای است که رویه قضایی فرانسه (با مساعدت حقوقدانان این کشور) برای موردی که واجد شرایط آتی باشد ایجاد نموده است: ۱- مسئولان متعدد در برابر طلبکار (زیان‌دیده) واحدی قرار گرفته باشند ۲- مسئولیت تضامنی، نه از طریق قرارداد و نه به موجب نص قانون، ایجاد نگردیده باشد ۳- تعهد قابل تقسیم باشد. براساس مسئولیت کامل، هر یک از مسئولان به‌طور مستقل مکلف به پرداخت تمام دین و خسارت است و هدف از تعهدات همه مسئولان، جبران خسارت زیان‌دیده می‌باشد.

البته قواعد عمومی در شرایط فوق‌الذکر تقسیم تعهد و مسئولیت را اقتضاء می‌کند. زیرا، اصل، تقسیم تعهد در صورت تعدد مسئولان است [۵، ج ۳، ص ۱۹۵؛ ۹، ج ۱، ص ۶۹۰]. اما رویه قضایی فرانسه بر این باور است که اجرای قواعد عمومی از آنجا که به نفع مسئولان متعدد و ضرر زیان‌دیدگان است راه حلی غیر عادلانه است؛ به نفع مسئولان است چون تقسیم مسئولیت بین آنان موجب تخفیف مسئولیت مسئول در صورت دخالت شخص دیگر در ایجاد ضرر می‌شود، حال آنکه اگر مسئول به تنهایی خسارت را وارد کرده بود از چنین تخفیفی برخوردار نمی‌شد. پس، تقصیر اشخاص ثالث نباید مسئولیت فرد را کاهش دهد [۵، ج ۳، ص ۲۷۵]. از سوی دیگر اجرای قواعد عمومی و تقسیم مسئولیت به ضرر زیان‌دیدگان است. زیرا، زیان‌دیده را با خطر اعسار یک یا چند تن از مسئولان متعدد مواجه می‌کند؛ در صورتی که زیان‌دیده باید بتواند خسارت کامل خود را از هر یک از مسئولان مطالبه کند و خطر اعسار یکی از مسئولان باید متوجه روابط بین خودشان گردد، نه متوجه روابط بین آنان با زیان‌دیده. بنابراین، منطقی نمی‌پذیرد که رفتار با زیان‌دیده در حالت وجود مسئولان متعدد، سخت‌تر از حالتی باشد که تنها یک مسئول در برابر او قرار می‌گیرد.

در نتیجه آنچه رویه قضایی با تکیه بر عدالت برمی‌گزیند آن است که هر یک از مسئولان متعدد در برابر زیان‌دیده مکلف به جبران کل خسارت باشد. البته، رویه قضایی ابتدا ماهیت این مسئولیت را مسئولیت تضامنی^۱ بین مسئولان متعدد تلقی می‌کرد. لیکن با توجه به

1 . obligation solidaire



انتقادهای وارد بر آن ترجیح داد تا عنوان «مسئولیت کامل»^۱ را که دارای آثار اصلی مسئولیت تضامنی بدون آثار فرعی آن است برگزیند. یکی از انتقادهای دربارهٔ مسئولیت تضامنی آن است که اگر چه تضامن در اثر بنیادی و اصلی خود (مسئولیت کامل هر مسئول در مقابل زیان دیده) هدف مورد نظر مسئولیت مدنی را تأمین کرده و موجب سهولت در جبران خسارت و نفع زیان دیده می‌شود، اما همین تضامن دارای آثار فرعی نامطلوبی است. بدین نحو که نمایندگی (اثر فرعی تضامن) هر یک از مسئولان از سایرین فاقد مبنای حقوقی و به ضرر آنان است. زیرا رویه قضایی با توسعه مفهوم نمایندگی، هر یک از مسئولان را، در نفع و در ضرر، نمایندهٔ سایرین به شمار می‌آورد [۵، ج ۳، ص ۳۲۸]. همچنین نمایندگی مزبور نیازمند مبنای حقوقی از قبیل وجود منفعت مشترک یا روابط حقوقی قبلی بین مسئولان است که چنین منفعت و روابطی میان مسئولان پیش از وقوع حادثهٔ زیان بار وجود نداشته است. از این رو، اجرای آثار فرعی تضامن در مورد مسئولان متعدد نه تنها به ضرر آنان بلکه فاقد وجاهت و مبنای حقوقی است.

۴-۲-۲- مبنای حقوقی مسئولیت کامل بین مسئولان متعدد

بر اساس مفهوم مسئولیت کامل، هر یک از عاملان ایجاد خسارت در برابر زیان دیده مکلف به پرداخت تمام خسارت است. اما مبنای حقوقی مسئولیت به پرداخت کل خسارت چیست؟ آیا به عنوان اینکه مسئول هنگام پرداخت کل خسارت تنها آنچه را به ذمه خود او تعلق دارد می‌پردازد یا آنچه را به ذمه خود او است (برابر قسمتی از خسارت که ایجاد کرده)، همراه آنچه به ذمه مسئولان دیگر است، (به عنوان ضامن از طرف آنها) می‌پردازد؟

در پاسخ به سؤال‌های فوق دو نظریه مختلف در حقوق مطرح شده است: ۱- نظریه سببیت کلی ۲- نظریه سببیت جزئی. این دو نظریه در واقع به این مسأله برمی‌گردد که آیا رابطه سببیت بین فعل زیان بار و ضرر از نظر کمی قابل تقسیم است یا خیر؟ یعنی اگر خسارت ناشی از چند سبب بوده که همگی در ایجاد آن نقش مؤثر داشته‌اند، آیا می‌توان هر

1 . obligation in solidum

جزئی از این ضرر را به یکی از اسباب نسبت داد و به عنوان مثال گفت که این سبب، دو سوم خسارت و سبب دیگر یک سوم خسارت را ایجاد کرده است؟

۴-۲-۱- نظریه سببیت کلی^۱

بر اساس این نظریه رابطه سببیت غیر قابل تقسیم^۲ است [۸، ج ۲، ص ۱۰۶۶]. طرفداران این نظریه در بیان علت غیر قابل تقسیم بودن اتفاق نظر ندارند و به دو استدلال مختلف متوسل شده‌اند: عده‌ای غیر قابل تقسیم بودن رابطه سببیت را مربوط به طبیعت رابطه مذکور و تجزیه و تحلیل درست آن می‌دانند و عده‌ای دیگر براین باورند که غیر قابل تقسیم بودن رابطه سببیت اقتضای ضرورت‌های عملی است. این دو استدلال مقداری توضیح نیاز دارد.

الف) طبیعت رابطه سببیت

برخی از اساتید و حقوقدانان [۵، ج ۱، ص ۱۰۱۸؛ ۸، ج ۲، ص ۱۰۶۰؛ ۹، ج ۱، صص ۵۷۱، ۱۰۰۰؛ ۱۰، ج ۱، ص ۵۱۳] می‌گویند هرگاه اسباب متعدد در ایجاد ضرر دخالت داشته باشند «هر سبب، سبب کل خسارت است» یعنی هر عامل از عوامل متعدد به تنهایی سبب کل ضرر و زیان به شمار می‌آید. زیرا، دخالت آن سبب برای ایجاد خسارت ضروری است و بدون آن سبب خسارت اصلاً ایجاد نمی‌شود، و نمی‌توان تصور کرد که کسی کمتر از کل خسارت را به بار آورد [۱۱، ص ۳۰۷]. از این رو هر فاعلی ملزم به پرداخت کل خسارت است، چرا که او کل خسارت را به وجود آورده است. در واقع براساس این نظر، دخالت شخص در ایجاد خسارت به نحوی که بتوان آن را سبب خسارت به حساب آورد، برای حکم به اینکه او تمام خسارت را به وجود آورده، کافی است. زیرا، بنابر فرض بدون کار و تقصیر او حتی اگر سایرین هم مرتکب تقصیر شوند تقصیر آنها به تنهایی موجب خسارت نمی‌گردد [۸، ج ۲، ص ۱۰۶۲]. برای مثال، اگر راننده مرتکب انحراف به چپ نشده بود، تصادم واقع نمی‌شد و

1. Causalité integrale

2. Indivisibilité de lien de causalité



خسارتی هم به رهگذر وارد نمی‌گردید. همچنین اگر راننده خودروی دیگر با سرعت غیر مجاز در حرکت نبود می‌توانست از بروز حادثه جلوگیری به عمل آورده و زیان‌دیده نیز سالم می‌ماند. پس می‌توان گفت هر یک از رانندگان به تنهایی کل خسارت را به وجود آورده است. زیرا، با دخالت و کار او خسارت وارد شده و بدون دخالت او خسارت واقع نمی‌شد. در حقیقت نسبت به عوامل متعدد کار هر فرد کار همه و کار همه کار یک فرد است.

استدلال فوق‌الذکر از سوی برخی دیگر از حقوقدانان نوعی مغالطه به شمار آمده است. زیرا، چنانچه بپذیریم خسارت در نتیجه اجتماع چند سبب به وجود آمده، خود این امر دلالت دارد بر اینکه یک سبب به تنهایی و جدای از اسباب دیگر نمی‌تواند سبب ایجاد کل خسارت باشد بلکه آن سبب فقط قسمتی از آن خسارت را به وجود آورده است. زیرا آن سبب فقط «یکی» از اسباب ایجاد خسارت است. در مثال بالا اگر فقط راننده یک خودرو مرتکب خطا می‌شد مسلماً با وجود تنها یک خودرو تصادم به وجود نمی‌آمد. همانطور که هیدروژن به تنهایی آب را به وجود نمی‌آورد یا یک حلقه از زنجیر را به تنهایی نمی‌توان زنجیر نامید.

ب) ضرورت عملی

با توجه به رد استدلال اول و اینکه نمی‌توان بر این عقیده بود که ضرورت عقلی و منطقی یا طبیعت رابطه سببیت مقتضی مسؤولیت کامل است، طرفداران نظریه مسؤولیت کامل تلاش کرده‌اند تا مبنای دیگری برای آن بیابند. ایشان به رغم پذیرش این امر که از حیث منطقی هر فاعلی تمام خسارت را ایجاد نمی‌کند و فقط سبب ایجاد قسمتی از خسارت می‌شود، بر این باورند که سببیت جزئی ملازمتی با مسؤولیت جزئی (کاهش مسؤولیت) ندارد و هر فاعلی در برابر زیان‌دیده مسؤول جبران تمام خسارت است. زیرا، هیچ معیار و ملاک معقولی برای ارزیابی تأثیر سببیت هر یک از عوامل مشترک در ایجاد خسارت وجود ندارد. پس تقسیم رابطه سببیت از نظر محاسبه امکان‌پذیر نیست و فاقد دلیل

منطقی است [۱۲، ش ۶]. به عبارت دیگر، مطابق این نظر مسئولیت کامل هر یک از مسؤولان نتیجه ضرورت‌های عملی است نه الزام و ضرورت عقلی و منطقی. استدلال دوم (ضرورت‌های عملی) نیز چندان از استدلال اول درباره مسئولیت کامل قوی‌تر نیست و به دلایل زیر قابل انتقاد است:

۱- ادعای عدم امکان تعیین میزان تأثیر هر یک از اسباب در ایجاد خسارت صحیح نیست. زیرا، دادگاه‌ها در بسیاری از موارد این کار را انجام می‌دهند [۱۳، ج ۱۱، صص ۹۴-۹۷]. برای مثال دادگاه‌ها در صورتیکه تقصیر زیان‌دیده، خود یکی از اسباب ورود خسارت باشد همیشه متناسب با عمل خوانده و میزان سببیت آن در ایجاد خسارت، حکم به جبران خسارت می‌کنند [۱۱، ص ۲۸۶]. همین‌طور در موردی که یکی از مسؤولان تمام خسارت را به زیان‌دیده پرداخته و برای بدست آوردن قسمتی از آنچه که پرداخته به سایر مسؤولان مراجعه می‌کند دادگاه میزان تأثیر سببیت فعل هر یک از مسؤولان را در تعیین میزان مسئولیت آنان لحاظ می‌نماید. بنابراین، وقتی امکان تعیین تأثیر سببیت در موارد فوق وجود دارد، این استدلال که تقسیم سببیت از نظر عملی امکان‌پذیر نیست، مردود است [۱۴، ص ۴۸۳].

۲- به علاوه دشواری تعیین نقش سببیت هر یک از عوامل در برخی موارد نمی‌تواند توجیه کافی و مناسبی برای کنار گذاشتن تجزیه سببیت و تقسیم مسئولیت باشد [۱۴، ص ۴۸۳]. زیرا، این امر موجب می‌شود هر یک از مسؤولان نه تنها مسؤول خسارتی که ایجاد کرده باشد، بلکه مسؤول خسارتی که هیچ نقش سببی و مؤثر در بوجود آمدن آن نداشته نیز به شمار آید.

۲-۲-۲-۴- نظریه سببیت جزئی^۱ (مسئولیت کامل تضمین نفع زیان‌دیده)

قابلیت تقسیم رابطه سببیت اصل مهمی است که نظریه سببیت جزئی بر آن استوار است و از لحاظ منطقی و عملی مانعی برای اجرای این اصل وجود ندارد. اگر عمل شخص با سبب خارجی به‌طور مشترک موجب فوت دیگری شود، مسلماً آن شخص در ارتکاب قتل سهیم است [۱۴، ص ۴۸۲]. بنابراین در صورت تعدد اسباب خسارت، مقدار معینی از خسارت به هر یک از اسباب که در ایجاد آن مشارکت داشته‌اند اسناد داده می‌شود. و هر یک از اسباب سبب کل خسارت به حساب نمی‌آید بلکه تنها سبب جزئی از خسارت است. زیرا، فرض بر این است که آن سبب، یکی از اسبابی است که در وقوع خسارت نقش داشته و اگر سایر اسباب نبودند

1. causalité partielle



آن سبب به تنهایی این خسارت را ایجاد نمی‌کرد. و چون هر یک از اسباب فقط در ایجاد «جزئی» از خسارت نقش دارد فقط مسؤولیت همین جزء، نه مسؤولیت کل خسارت، قابل انتساب به آن است. در نتیجه، سببیت جزئی تنها مسؤولیت جزئی^۱ را به دنبال می‌آورد. بنابراین قواعد عمومی راجع به تعهدات مسؤولان متعدد مستلزم آن است که جبران خسارت بین آنها بر حسب میزان تأثیر در ایجاد خسارت تقسیم شود. اما به این دلیل که تقسیم مسؤولیت بین مسؤولان ممکن است به ضرر زیان‌دیده باشد، به‌عنوان تضمین حق زیان‌دیده می‌توان مقرر نمود هر یک از مسؤولان در برابر زیان‌دیده ملزم به پرداخت کل خسارت باشد [۱۴، ص ۴۸۳]. اگر چه برخی از طرفداران نظریه سببیت جزئی معتقدند برای اعطای این امتیاز اضافی به زیان‌دیده دلیلی وجود ندارد و هر مسؤول را فقط ملزم به جبران قسمتی از خسارت می‌دانند.

۳-۲-۴- موضع رویه قضایی و حقوقدانان در برابر دو نظریه سببیت کلی و سببیت جزئی

۳-۲-۴-۱- در حقوق فرانسه

هیچ یک از این دو نظریه نتوانسته موافقت کامل حقوقدانان و تأیید مستمر رویه قضایی را به خود اختصاص دهد. بعد از اینکه نظریه سببیت کلی مورد تأیید اکثر حقوقدانان پیشین قرار گرفت تمایلاتی از سوی برخی حقوقدانان متأخر نسبت به نظریه سببیت جزئی ملاحظه می‌شود.

رویکرد رویه قضایی در مورد دو نظریه را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد؛ در مرحله اول و سوم نظریه سببیت کلی و در مرحله دوم نظریه سببیت جزئی آن هم در مدتی نه چندان طولانی بر رویه قضایی غلبه داشته است.

رویه قضایی فرانسه از ابتدا در صورت تعدد اسباب (خواه مسؤولان متعدد باشند یا قوه قاهره همراه با فعل خوانده باشد) حکم به مسؤولیت کامل خوانده می‌کرد و بر این باور بود

1. Responsabilité partielle

که « هر خطایی در ایجاد کل خسارت مشارکت دارد» و «رابطه سببیت مستقیم و ضروری بین هر خطا و تمام خسارت وجود دارد» زیرا، وقتی خسارت ناشی از اجتماع دو سبب است، هر یک از آنها به طور کلی تمام خسارت را به وجود آورده، چرا که بدون آن سبب این خسارت حتی به صورت جزئی حاصل نمی شد [۸، ج ۲، ص ۷۳۴، ۱۰۶۳].

در مرحله دوم رویه قضایی از نظریه سببیت کلی دور شد و به نظریه سببیت جزئی روی آورد. شروع واقعی این مرحله در سال ۱۹۵۱م. است. یعنی سالی که شعبه تجاری دیوان کشور فرانسه رای مشهور خود را درباره کشتی لاموریسیر^۱ صادر کرد [۹، ج ۱، ص ۵۹۱]. شعبه مزبور در مورد مسؤولیت ناشی از اشیاء پذیرفت که قوه قاهره می تواند موجب معافیت جزئی از مسؤولیت شود. بعداً شعبه دوم مدنی دیوان نیز این نظر را درباره مسؤولیت ناشی از فعل اشخاص پذیرفت. این نظر تأثیر بسیاری بر مسائل مسؤولیت مدنی داشت، بنحوی که در پرونده پیلستر^۲ به نقطه اوج خودش رسید. به این معنی که دیوان فرانسه حکم کرد شرط مسؤولیت کامل در برابر زیان دیده آن است که مسؤول پرداخت کننده تمام خسارت، بتواند به سایر مسؤولان رجوع کند [۸، ج ۲، ص ۱۰۷۰] و این معنایی جز کاهش مسؤولیت (معافیت جزئی از مسؤولیت) ندارد.

البته این مرحله در رویه قضایی فرانسه طولانی نبوده و در اواخر سال ۱۹۶۰ بعد از دو دهه به نقطه پایان و افول خود رسید و در سال ۱۹۶۹ در پرونده جوفییر^۳ مجدداً به صورت کاملاً واضح به نظریه سببیت کلی استناد شد و دیوان از نظر سابق خود برگشت و اظهار داشت که امکان رجوع مسؤول جبران کننده خسارت به سایر مسؤولان شرط مسؤولیت کامل نیست [۹، ج ۱، صص ۶۱۱-۶۱۲]. از آن به بعد احکام محاکم موافق با این نظریه صادر شده و تا امروز نیز ادامه دارد [۹، ج ۱، ص ۵۹۲].

۴-۲-۳-۲- در حقوق ایران

اگر چنانچه هر یک از اسباب متعدد در ورود خسارت مؤثر باشد و اجتماع دو سبب باعث ورود خسارت شود مثل آنکه دو خودرو در خیابان یک طرفه، با سرعت غیر مجاز و دیگری

1 . Lamoriciere

2 . Pilastre

3. Gueffier



بر خلاف مسیر در حرکت باشند و در اثر تصادم آنها عابری مصدوم گردد، در اینکه هر دو راننده به طور مشترک خسارت را ایجاد نموده و هر دو مسؤول جبران خسارت زیان دیده می باشند، اختلافی نیست. بحث این است که هر کدام ملزم به پرداخت چه مقدار از خسارت هستند. آیا زیان دیده می تواند به هر یک از آنها برای دریافت تمام خسارت خود مراجعه کند یا خیر؟

از آنجا که در قانون مدنی و قانون مسؤولیت مدنی در این باره ماده صریحی وجود ندارد، حقوقدانان در کیفیت مسؤولیت عاملان ورود زیان اختلاف نظر دارند:

۱- برخی مسؤولیت تضامنی هر یک از اسباب متعدد را پذیرفته و براین باورند که زیان دیده برای مطالبه تمام خسارت به هر کدام از آنها می تواند رجوع کند. در تأیید این نظر دلایلی وجود دارد:

اولاً؛ این راه حل با منطق حقوقی سازگارتر است. زیرا، فرض این است که اسباب متعدد با هم خسارت را به وجود آورده اند و هر کدام از اسباب باعث تاثیرگذاری سبب دیگر شده است، بنابراین نمی توان گفت یک سبب فقط قسمتی از خسارت را ایجاد کرده است. زیرا، تجزیه سببیت و مسؤولیت در صورت اشتراک اسباب متعدد صحیح نیست [۶، ج ۱، ص ۴۹۵].

ثانیاً؛ با استناد به بخش اول ماده ۱۴ قانون مسؤولیت مدنی و بر مبنای وحدت ملاک آن می توان مسؤولیت تضامنی اسباب متعدد را استنباط نمود [۱۵، ج ۱، ص ۲۵۸؛ ۱۶، ج ۱، ص ۸۵۶]. به علاوه مسؤولیت تضامنی در سایر قوانین در حقوق ایران به چشم می خورد؛ ماده ۳۱۷ قانون مدنی درباره خسارات ناشی از غصب و بند ج از ماده ۱۶۵ قانون دریایی مسؤولیت تضامنی را در حقوق ایران مقرر نموده است^۱. که با توجه به وحدت مبنا می توان حکم مندرج در قوانین مزبور را به مسؤولیت مدنی تعمیم داد [۶، ج ۱، صص ۴۹۵-۴۹۶].

ثالثاً؛ در مورد اسباب متعدد هر سبب که در ورود خسارت شرکت دارد سبب حقوقی

۱. شایان ذکر است که در تبصره ۲ و ۴ ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی (منسوخ)، مصوب تیر ماه ۱۳۵۱، حکم مسؤولیت تضامنی مباشر، شریک و معاون جرم، پیش بینی شده بود لیکن در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ حکم مذکور ذکر نشده است. به علاوه، ماده ۷ قانون اخیر نیز به صراحت لغو قانون سابق را اعلام کرده است. بدین ترتیب، با نسخ قانون سابق یکی از مهمترین ادله قانونی مسؤولیت تضامنی از بین رفته است.

خسارت به شمار می‌آید و بنابر فرض رابطه سببیت بین آن سبب و خسارت موجود است و هیچ کدام از اسباب نیز موجب قطع رابطه سببیت بین خسارت و سبب دیگر نمی‌شود، بنابراین هر یک از اسباب به تنهایی مسؤول جبران تمام خسارت وارده به زیان‌دیده است.

۲- برخی دیگر بر این باورند که مسؤولیت بین اسباب و عاملان متعدد تقسیم می‌گردد و هر یک از آنها فقط ملزم به پرداخت قسمتی از خسارت است که در ایجاد آن نقش داشته.

در توجیه این نظر دلایلی را می‌توان برشمرد:

اولاً؛ مسؤولیت تضامنی بر خلاف قاعده است و احتیاج به نص قانونی دارد، حال آنکه چنین نصی درباره اسباب متعدد وجود ندارد و بنابراین مسؤولیت تضامنی درباره اسباب متعدد قابل اعمال نیست [۲، ج ۱، ص ۶۰۱].

ثانیاً؛ اگر چه بنا بر فرض، رابطه سببیت بین اسباب متعدد با خسارت وجود دارد، اما وجود این رابطه به معنای ایجاد سببیت و اثرگذاری هر یک از اسباب بر دیگری نیست تا گفته شود هر سبب، سبب تمام خسارت است؛ زیرا فرض بر این است که اسباب متعدد جمعاً خسارت را به وجود آورده‌اند بنابراین سببیت برای جمیع اسباب من حیث المجموع است و یک سبب، اگر چه جدا از سایر اسباب به گونه‌ای مؤثر است، اما به تنهایی سبب خسارت نیست. از این رو، مسؤولیت یکی از اسباب به میزان تأثیر آن در مجموع اسباب ورود خسارت است، نه به اندازه تمام خسارتی که از مجموع اسباب به وجود آمده است [۱۷، ص ۸۹].

ثالثاً؛ اثبات مسؤولیت تضامنی افرادی که به اشتراک خسارتی را به بار آورده‌اند، با این فرض که هر یک از اسباب، جزء نهایی علت تامه باشد صحیح نیست؛ زیرا این استدلال فلسفی برای ایجاد علت مادی مسؤولیت، مناسب نیست [۲، ج ۱، ص ۶۰۱].

به هر حال، مسؤولیت تضامنی که متأثر از حقوق فرانسه است، اگر چه این حسن را دارد که چنانچه یکی از مسؤولان معسر یا غایب باشد، خسارت زیان‌دیده بدون جبران باقی نمی‌ماند، لکن پذیرش آن در حقوق ما به سادگی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا اولاً مسؤولیت تضامنی برخلاف اصل و جنبه استثنایی دارد و بنابراین، قابلیت



توسعه و تعمیم را نداشته و فقط باید به مواردی که قانونگذار به موجب ضرورتی به وجود این نوع مسئولیت تصریح کرده اکتفا شود؛ ثانیاً فرض مسئولیت هر سبب، ملازمه‌ای با مسئولیت کامل او ندارد، زیرا هر سبب فقط به مقداری که در ایجاد خسارت مؤثر بوده مسئول است و حسب فرض، در تعدد اسباب، تمام خسارت قابل اسناد به یک سبب نیست تا او مسئول پرداخت تمام خسارت باشد؛ ثالثاً اکنون قانون مجازات اسلامی با پذیرش مسئولیت مشترک اسباب متعدد ورود زیان اصولاً به این بحث خاتمه داده و کلیه افرادی را که نقش سببی در ایجاد خسارت دارند به‌طور مساوی به جبران خسارت ملزم ساخته است. ماده ۳۶۵ این قانون در این باره مقرر می‌دارد: «هرگاه چند نفر سبب آسیب یا خسارتی بشوند به‌طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود».

امروزه گرایش دادگاهها هم به اجرای این ماده است که تقسیم و تجزیه مسئولیت را پذیرفته. البته تعیین میزان مسئولیت به تساوی به‌طور مطلق برای هر یک از اسباب، اگر چه از نظر قضایی کار را برای دادرس ساده و آسان می‌کند، لکن قابل نقد است.

۵- تأثیر نظریه سببیت کلی و سببیت جزئی بر مسئولیت

پذیرش هر یک از این دو نظریه به‌عنوان مبنای مسئولیت در صورت تعدد اسباب، موجب تأثیر بر مسئولیت هر سبب می‌شود. تعدد اسباب فرضهای مختلفی دارد که همراهی قوه قاهره با تقصیر خوانده یکی از آنها است. در این قسمت، تأثیر این دو نظریه در فرض مزبور در حقوق ایران و فرانسه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵-۱- تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خوانده بر مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه

همان‌طور که در ابتدای بحث مطرح شد موضوع بحث موردی است که قوه قاهره و تقصیر زیان‌دیده، با هم نقش مؤثر در ایجاد خسارت داشته باشند. در این صورت با اتخاذ مبانی متفاوت، نتایج و آثار مختلفی نیز متصور است به‌گونه‌ای که اگر در بحث تعدد اسباب از نظریه سببیت کلی پیروی شود طبعاً نتیجه حاصل متفاوت از نتیجه‌ای است که براساس

نظریه سببیت جزئی به دست می‌آید. در ادامه، تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خواننده بر مبنای سببیت کلی و سببیت جزئی بررسی خواهد شد.

۵-۱-۱- حکم مسأله بنا بر نظریه سببیت کلی

بر مبنای نظریه سببیت کلی، مسؤول ملزم به پرداخت تمام خسارت به زیان‌دیده است. دو استدلال برای این حکم بیان شده است:

۱. هرگاه قوه قاهره همراه تقصیر خواننده به‌طور مشترک خسارت را وارد کرده باشند، خواننده باید تمام خسارت را به زیان‌دیده بپردازد؛ زیرا تجزیه و تقسیم سببیت امکان‌پذیر نبوده و بنا بر فرض، تمام خسارت را خود او به وجود آورده است. پس دلیلی برای کاهش و تخفیف مسؤولیت به موجب اسباب دیگری که با او در ایجاد خسارت مشارکت داشته‌اند، وجود ندارد.

۲. سببی که به‌عنوان قوه قاهره مطرح است از دو حالت خارج نیست: الف) سبب دارای تمام شرایط قوه قاهره است که در این صورت، قوه قاهره تنها سبب خسارت به شمار می‌رود. بنابراین خواننده هیچگونه مسؤولیتی در برابر زیان‌دیده ندارد؛ ب) سبب مذکور همه شرایط قوه قاهره را ندارد که در این صورت، سبب ایجاد خسارت هم نیست و موجب سلب مسؤولیت خواننده حتی به صورت جزئی نیز نمی‌گردد و جبران تمام خسارت بر عهده خود خواننده است.

به عبارت دیگر از لحاظ منطقی، جمع بین قوه قاهره و مسؤولیت امکان‌پذیر نیست، زیرا ایراد خسارت یا به موجب تقصیر خواننده بوده که در این صورت او به‌تنهایی مسؤول است و یا به علت قوه قاهره که دیگر مسؤولیتی متوجه خواننده نمی‌شود [۸، ص ۱۱۷].

برای مثال، اگر سازنده سد از مصالح مناسب و استاندارد استفاده کرده بود زلزله آن را خراب نمی‌کرد. پس تقصیر سازنده موجب خسارت گردیده و قوه قاهره در این صورت تحقق پیدا نمی‌کند، زیرا یکی از شرایط قوه قاهره احتراز ناپذیری و غیر قابل پیشگیری بودن آن است، در حالی که خواننده می‌توانسته با به کارگیری مصالح مناسب از بروز حادثه جلوگیری کند. بنابراین زلزله در این حالت، قوه قاهره به شمار نمی‌آید و خواننده به‌تنهایی مسؤول است.



و اگر زلزله به درجه‌ای باشد که حتی اگر سازنده از مصالح مناسب استفاده کرده بود باز هم سد تخریب می‌شد، معلوم می‌شود که قوه قاهره با جمیع شرایط که یکی هم «احترازناپذیری» است تحقق یافته و تقصیر خوانده، نقشی در ایجاد خسارت نداشته است. از این رو، خواننده مکلف به پرداخت خسارت - حتی به صورت جزئی - به زیان‌دیده نیست.

دیدگاه مزبور را می‌توان در پرونده زیر به‌خوبی مشاهده کرد. شرح دعوا چنین است که در ایستگاه راه‌آهن، فردی نابینا هنگام عبور قطار، میان سگ و ریل قطار افتاده، زخمی می‌شود. زیان‌دیده علیه شرکت راه‌آهن به‌عنوان نگهدارنده قطار، طرح دعوا و مطالبه خسارت می‌کند. دادگاه تجدیدنظر، موقعیت و رفتار خطرناک زیان‌دیده را تقصیر محسوب کرده، شرکت راه‌آهن را به دلیل غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیری رفتار زیان‌دیده از مسئولیت معاف می‌کند؛ اما شعبه دوم مدنی دیوان فرانسه در رأی ۱۱ ژانویه ۲۰۰۱ خود رأی دادگاه تجدیدنظر را نقض و مقرر کرد: «تقصیر زیان‌دیده، نگهدارنده را به‌طور کامل از مسئولیت معاف نمی‌کند، مگر اینکه از موارد قوه قاهره باشد». به اعتقاد دیوان کشور، رفتار زیان‌دیده از ویژگی‌های قوه قاهره برخوردار نبوده و از این رو، شرکت راه‌آهن را مسئول خسارت وارد به زیان‌دیده دانسته است؛ برخلاف نظر دادگاه تجدیدنظر که رفتار زیان‌دیده را واجد شرایط قوه قاهره تشخیص داده و رأی به رد دعوی خواهان صادر کرده است [۱۹، ص ۱۵۰].

در نتیجه، قوه قاهره یا به صورت کامل به وجود می‌آید و باعث نفی مسئولیت خواننده به‌طور کلی می‌شود و یا اصلاً به وجود نمی‌آید و مسئولیت به‌طور کامل به عهده خواننده است؛ بدین معنا که امکان ندارد قوه قاهره به صورت جزئی پدید آید تا به صورت جزئی باعث کاهش مسئولیت شود؛ یا قوه قاهره هست و خواننده اصلاً مسئول نیست یا قوه قاهره نیست و مسئولیت کامل بر عهده خواننده است.

۵-۱-۲- حکم مسأله بنا بر نظریه سببیت جزئی

طرفداران این نظریه بر این باورند که هر سبب از اسباب متعدد، تنها قسمتی از خسارت را به وجود می‌آورد و رابطه سببیت قابل تقسیم و تجزیه‌پذیر است [۱۴، ص ۴۸۲]. با وجود این، معتقدان به این نظریه خود به دو گروه تقسیم شده‌اند: (۱) برخی مسئولیت کامل هر یک از

مسئولان را در برابر زیان دیده پذیرفته‌اند، ۲) گروهی دیگر به مسئولیت جزئی (کاهش مسئولیت) هر یک از اسباب نظر دارند.

۵-۱-۲-۱- مسئولیت کامل بر مبنای سببیت جزئی و وجه تمایز آن با سببیت کلی

مسئولیت کامل بر مبنای سببیت جزئی، نتیجه‌ای غیر اختیاری نیست که ضرورت منطقی ناشی از سببیت کلی آن را ایجاب و تحمیل کرده باشد و یا به موجب دشواری محاسبه نقش سببی هر یک از اسباب و تقسیم رابطه سببیت گریزناپذیر باشد، بلکه این مسئولیت، انتخابی معقول و ارادی جهت تضمین حقوق زیان دیده و تسهیل در جبران کامل خسارت او است. بنابراین مسئولیت کامل مربوط به تعهد مسئول در برابر زیان دیده نیست، بلکه راهکاری خاص برای حمایت از منافع زیان دیده است.

از سوی دیگر، مسئولیت کامل منطبق با قواعد عمومی تعهدات نبوده و استثنایی است، زیرا اصل در اسباب متعدد، تقسیم مسئولیت است؛ همان‌گونه که اصل در سببیت جزئی، مسئولیت جزئی و تقسیم آن است. بنابراین، مسئولیت کامل با این وصف، مقید به شرایط خاصی است که با نقش و وظیفه آن که همان حمایت و ضمانت حق زیان دیده است تناسب داشته باشد، نه اینکه بار سنگینی بر دوش مسئول باشد. از این رو، مسئولیت کامل در جایی تحقق می‌یابد که تعدد اسباب به وجود تعدد مسئولان در برابر زیان دیده منتهی شود، به گونه‌ای که اگر این شرط وجود نداشته باشد مسئولیت کامل هم تحقق پیدا نمی‌کند [۸، ج ۲، ص ۱۰۷]: یعنی اگر چه مسئولیت کامل به عنوان راهکار تضمین حق و حمایت از زیان دیده انتخاب و پذیرفته شده، لکن این ضمانت تا جایی است که موجب تضرر مسئول نگردد.

به عبارت دیگر، اگر اسباب متعدد در ایجاد خسارت مؤثر باشند، اما تنها یک مسئول در برابر زیان دیده وجود داشته باشد، مثل موردی که حادثه و خسارت ناشی از همراهی قوه قاهره با تقصیر خوانده است، خوانده از ابتدا فقط مسئول جبران قسمتی از خسارت که سبب ایجاد آن بوده، خواهد بود و مسئولیت خسارت ناشی از قوه قاهره به عهده خود زیان دیده است، نه خوانده. بدین نحو، اثر قوه قاهره منحصر به معافیت کلی مسئول یا مسئولیت کامل او نیست، بلکه ممکن است سبب کاهش مسئولیت وی نیز بشود.

٥-١-٢-٢-مسؤولیت جزئی (کاهش مسؤولیت)

در تعدد اسباب، هر سبب به وجود آورنده تمام خسارت نیست و فقط سبب قسمتی از خسارت است؛ زیرا بنا بر فرض، هر سبب تنها یکی از اسبابی است که در وقوع خسارت نقش داشته، به نحوی که اگر سایر اسباب نبودند خسارت ایجاد نمی‌شد. بنابراین، شایسته است که تنها مسؤولیت بخشی از خسارت به عهده او باشد و مسؤولیت قسمتی از خسارت که هیچ نقش سببی در ایجاد آن نداشته نباید به او تحمیل گردد. از این رو، وجوب تقسیم جبران خسارت بین اسباب متعدد، آن‌هم به اندازه نقش سببی هر کدام در ایراد خسارت، امری منطبق با قواعد عمومی تعهد در اسباب متعدد است. پس در اسباب متعدد، چه مسؤولان متعدد باشند و چه تنها یک مسؤول در برابر زیان‌دیده وجود داشته باشد، هر سبب فقط مسؤول پرداخت بخشی از خسارت است که خود او سبب ایجاد آن بوده است. نتیجه اینکه در صورت همراهی قوه قاهره با تقصیر خوانده، مسؤولیت خوانده به تناسب نقش سببی او در ایجاد خسارت تعیین خواهد شد و قسمت دیگر خسارت به عهده زیان‌دیده قرار می‌گیرد. بدین شکل، تقسیم و تجزیه سببیت در مورد اسباب متعدد اجرا شده، قوه قاهره باعث کاهش مسؤولیت خوانده می‌شود.

۵-۲- تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خواننده بر مسؤولیت مدنی در حقوق ایران

در بحث اجتماع قوه قاهره با تقصیر خواننده، این سؤال پیش می‌آید که آیا قوه قاهره موجب قطع رابطه سببیت می‌شود یا اینکه تمام مسؤولیت به‌تنهایی بر عهده خواننده است، و یا اینکه مسؤولیت تقسیم و تجزیه می‌شود؟ در این باره دو نظریه مسؤولیت کامل و کاهش مسؤولیت از سوی حقوقدانان بیان گردیده است:

٥-٢-١- حكم مسأله بنا بر نظريه كاهش مسؤوليت

پيروان اين نظريه، با الهام از قسمت دوم ماده ۱۴ قانون مسؤوليّت مدني و ماده ۳۳۵ قانون مدني بر اين باورند كه خوانده فقط نسبت به حيران قسمتي از خسارت مسؤوليّت دارد؛ زيرا

تقصیر او با قوه قاهره همراه بوده است. بنابراین، قسمت دیگری از خسارت بدون جبران باقی می ماند و دلیلی ندارد که خوانده بار قوه قاهره را نیز تحمل کند. برای مثال، اگر سیلاب شدیدی، سدی را که بدون رعایت اصول فنی و با مصالح غیر استاندارد ساخته شده است، ویران کرده، به املاک مجاور راه یابد و خسارت به بار آورد، در این صورت، سازنده مقصر، مسؤول است، ولی چون تقصیر او همراه با قوه قاهره است، فقط مسؤول پرداخت قسمتی از خسارت است و قسمت دیگر خسارت، بدون جبران باقی می ماند [۲۰، ج ۲، ص ۵۶۸].

بدیهی است این رأی مبتنی بر نظریه سببیت جزئی و تقسیم مسؤولیت و رابطه سببیت است؛ زیرا نظریه سببیت کلی به هیچ وجه تقسیم مسؤولیت را نتیجه نمی دهد.

۵-۲-۲- حکم مسأله بنا بر نظریه مسؤولیت کامل

دیدگاه دیگری که در این مورد وجود دارد، این است که در صورت همراهی قوه قاهره با تقصیر خوانده، قوه قاهره نادیده گرفته می شود و مسؤولیت به طور کامل به عهده واردکننده خسارت است. به عبارت دیگر، قوه قاهره رابطه سببیت بین تقصیر خوانده و خسارت را از بین نمی برد. در توجیه این نظر استدلال شده است که: «حقوق در جستجوی همه اسباب ایجاد کننده ضرر نیست. نتیجه منطقی نظریه تقصیر - که به عنوان اصل در قانون مسؤولیت مدنی پذیرفته شده - این است که دادرس، از میان همه شرایطی که زمینه ورود خسارت را فراهم آورده اند، به گروهی بپردازد که ناشی از تقصیر است. بنابراین، در موردی که تقصیر شخصی به همراهی قوه قاهره، خساراتی را به بار آورده، تنها سببی که حقوق آن را می شناسد تقصیر است که با ضرر، رابطه سببیت اخلاقی دارد. پس باید او را مسؤول جبران همه خسارات شناخت و اثر حادثه خارجی را نادیده گرفت» [۶، ج ۱، ص ۴۹۲]. این دیدگاه مبتنی بر نظریه سببیت کلی است که سببیت را غیر قابل تقسیم و تجزیه ناپذیر می داند.

رویه قضایی در یک مورد که تقصیر خوانده سبب متعارف و اصلی ایجاد خسارت بوده، مسؤولیت کامل برای او مقرر داشته است. شرح دعوی مذکور به این قرار است که در اثر بارش باران و طغیان آب داخل کانال، به منزل خواهان خسارت وارد می آید و کارشناس سبب طغیان آب را عدم لایروبی به موقع کانالهای آب از طرف شهرداری اعلام می کند. شعبه ۲۸ دادگاه حقوقی یک تهران در دادنامه ۲۹۱ به تاریخ ۷۲/۲/۲۹ تقصیر خوانده را سبب



منحصر ایجاد خسارت تلقی کرده، بدون توجه به قوه قاهره، خواننده را به پرداخت تمام خسارت محکوم می‌کند [۲۱، صص ۱۲۹-۱۳۰].

فقه‌ها در کتب فقهی، نمونه‌هایی را مورد بحث قرار داده‌اند که برخی حقوقدانان آنها را مؤید نظریه مسئولیت کامل تلقی کرده‌اند. ما در اینجا دو مورد از آنها را بررسی می‌کنیم:

– نمونه اول: ظروف حاوی مایعات معمولاً در ظرف بسته و یا به‌گونه‌ای که از ریخته‌شدن آن جلوگیری شود، نگهداری می‌شوند. حال اگر شخصی در ظرف مزبور را باز بگذارد و سپس بر اثر باد و طوفان، تابش خورشید و حوادثی از این قبیل واژگون شود و محتوای درون آن بریزد، دربارهٔ مسئولیت بازکننده دو نظر وجود دارد:

۱. بازکننده در ظرف مسؤول است، زیرا بین بازکردن در ظرف و تلف مال، عمل اختیاری فاعل عاقلی که رابطه بین آن دو را قطع کند واقع نشده و باد و خورشید هم قابلیت مسئولیت را ندارند. بنابراین، مسئولیت کامل بر عهده بازکننده است. البته اگر بازگذاشتن در ظرف به‌طور معمول سبب تلف نشود، مثل اینکه ظرف در اتاق باشد و به‌طور اتفاقی پرنده‌ای وارد اتاق شود و آن را واژگون کند، مسئولیتی متوجه بازکننده نیست، زیرا در تسبیب، فعل مسبب باید به‌طور متعارف باعث تلف شود، نه اتفاقی [۲۲، ج ۲، ص ۴۲].

۲. در مسئولیت بازکننده تردید است و قول صحیح عدم مسئولیت است، زیرا باد و خورشید مباشر تلف بوده‌اند و با وجود مباشر، مسئولیتی متوجه سبب نمی‌شود [۲۳، ج ۳، ص ۲۳۸]. تعلیل صاحب جواهر در مورد قول صحیح این است که در سببیت بازکننده ظرف، دچار شک و تردید هستیم و نمی‌دانیم که آیا او قصد اتلاف داشته یا نه؟ و همچنین اصل براءت، اقتضا دارد که وی مسؤول نباشد.

مسئولیت کامل که در نظر اول آمده نمی‌تواند توجیهی برای مسئولیت کامل در مسأله همراهی قوه قاهره با تقصیر خواننده تلقی شود، زیرا چنانچه باد و تابش خورشید امری متوقع و قابل پیش‌بینی باشد به منزله شرایط طبیعی تلف، نه سبب آن، به شمار می‌آیند و عنوان قوه قاهره هم بر آنها صدق نمی‌کند، زیرا یکی از شرایط قوه قاهره غیر قابل پیش‌بینی بودن حادثه است.

علاوه بر این، در موردی که وزش باد و توفان یا ورود پرنده‌ای به اتاق که باعث واژگونی ظرف و تلف محتوای آن شده غیر قابل پیش‌بینی باشد، موارد مذکور از مصادیق قوه قاهره به شمار می‌آید که در این صورت به عدم مسؤولیت بازکننده نظر داده شده است [۲۲، ج ۲، ص ۴۲].

- نمونه دوم: موردی است که سیل، سنگی را به کنار چاهی که به‌عدوان حفر شده بیاورد و عابری در اثر برخورد با آن سنگ به چاه بیفتد.

صاحب جواهر می‌گوید صحیح آن است که حفرکننده مسؤول باشد، زیرا عمل او عدوانی است [۲۴، ج ۳، ص ۴۳]. از این مثال، این طور استنباط شده که اثر حادثه خارجی و قوه قاهره، هنگامی که با تقصیر خوانده همراه است نادیده گرفته می‌شود و مسؤولیت تمام خسارت، متوجه حفرکننده چاه است [۶، ج ۱، ص ۴۹۲].

نتیجه‌گیری فوق قابل‌خدشه است؛ زیرا اولاً مسؤولیت حفرکننده در مثال بالا از باب اسناد عرفی خسارت به حافر است و از این رو، اگر به جای قوه قاهره، شخصی در ملک خود سنگی بگذارد و دیگری در کنار آن چاهی به‌عدوان بکند، حافر مسؤول است، نه گذارنده سنگ، زیرا عرف، خسارت را به کسی که به‌عدوان عمل کرده منسوب می‌کند، نه به آن کس که در انجام دادن فعل مجاز بوده. ثانیاً صاحب جواهر در مثال دیگری که مسأله همراهی قوه قاهره با تقصیر خوانده را روشنتر بیان می‌کند به تقسیم و تجزیه مسؤولیت نظر می‌دهد. ایشان می‌گویند: هر گاه کسی چاهی حفر کند و دیگری سنگی در کنار سنگ دیگری که سیل به کنار چاه حفرشده آورده، قرار دهد و این دو سنگ باعث لغزش پای فردی شود و در نتیجه، او به چاه بیفتد و مصدوم گردد، دو قول در این مسأله قابل طرح است:

(۱) شخص گذارنده سنگ باید نصف خسارت را جبران کند و نصف دیگر به هدر می‌رود (نظریه کاهش مسؤولیت)؛ (۲) شخص مزبور مسؤولیت کامل دارد (نظریه مسؤولیت کامل). ولی ایشان معتقد است قول اول با عدالت و اصل برائت موافق‌تر است [۲۴، ج ۳، ص ۴۳]. پس ایشان به نظریه تقسیم و تجزیه سببیت تمایل دارد، نه سببیت کلی و بنابراین، نتیجه‌گیری فوق از عبارت ایشان در مثال ذکرشده صحیح نیست.



۶- نتیجه‌گیری

مسأله تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خوانده بر مسؤولیت مدنی را باید بر اساس قواعد حاکم بر موضوع تعدد اسباب مورد بررسی قرار داد، زیرا مسأله مذکور از مصادیق تعدد اسباب ورود خسارت است و از این رو، دو اصل مسؤولیت کامل و مسؤولیت جزئی که در تعدد اسباب مطرح است، برای بیان تأثیر قوه قاهره بر مسؤولیت خوانده مقصر قابل تصور است. مسؤولیت کامل، مبتنی بر نظریه سببیت کلی و غیر قابل تقسیم بودن رابطه سببیت است؛ اما نه طبیعت رابطه سببیت و نه ضرورت‌های عملی، سببیت کلی و در نتیجه، مسؤولیت کامل را اقتضا نمی‌کند. بنابراین، در صورت تعدد اسباب، اصل تجزیه و تقسیم سببیت حاکم است. مسؤولیت تضامنی نیز در حقوق ایران و فرانسه برخلاف اصل است و نیاز به وضع قانون دارد؛ ولی نه در قانون مدنی فرانسه و نه در قانون مدنی و قانون مسؤولیت مدنی ایران چنین مسؤولیتی در صورت تعدد اسباب وضع نشده است. از این رو باید گفت مسؤولیت تضامنی، مسؤولیتی استثنایی به شمار می‌آید و قابل قیاس، تعمیم و توسعه نیست و باید به موارد مصرح در قانون بسنده کرد.

با اعمال قواعد مربوط به تعدد اسباب بر مسأله اجتماع تقصیر خوانده با قوه قاهره، خوانده فقط مسؤول جبران بخشی از خسارت است که سبب ورود آن به زیان دیده شده و بخش دیگر را که ناشی از قوه قاهره است خود زیان دیده باید متحمل شود. در نتیجه، تقسیم و تجزیه مسؤولیت بنا بر نظریه سببیت جزئی، منطبق با اصول حقوقی و رویه قضایی کشور ما است.

۷- منابع

- [۱] صفایی، سید حسین؛ مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی؛ نشر میزان، تهران ۱۳۷۵.
- [۲] امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی؛ اسلامیه، تهران، ۱۳۸۳.
- [۳] کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، تهران، ۱۳۸۰.
- [۴] ژوردن، پاتریس؛ اصول مسؤولیت مدنی؛ ترجمه و تحقیق مجید ادیب، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲.

- [۵] السنهوری، عبدالرزاق احمد؛ الوسيط في شرح القانون المدني الجديد؛ منشورات الحلبي الحقوقية، بيروت، ۱۹۹۸.
- [۶] کاتوزیان، ناصر؛ الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری؛ مسؤولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶.
- [۷] قاسم‌زاده، سید مرتضی؛ مبانی مسؤولیت مدنی؛ نشر میزان، تهران، ۱۳۸۳.
- [8] Mazeaud (Henri et Leon) par Jean Mazeaud; Traité théorique et pratique de la responsabilité civile delictuelle et contractuelle; Préface par Henri Capitant; Tome II, sixième édition, Éditions Montchrestien, Paris, 1970.
- [9] Mazeaud (Henri, Leon. et Jean) par Michel de Juglart, Lecons de droit civil, Tome deuxième, cinquieme édition, premier volume, Éditions Montchrestien, 1973.
- [۱۰] مرقس، سلیمان؛ الوافی فی شرح القانون المدني؛ ۱۹۹۲.
- [11] Viney (Geneviève) et Jourdain (Patrice); Sous la direction de Jacques Chestin; Traité de droit civil, Les conditions de la responsabilité, deuxième édition, L.G.D.J. 1998.
- [12] Starck (Brois); La pluralité des causes de dommage et la responsabilité (La viebreve d'une fausse equation; causalité partielle = responsabilité partielle)., J. C. P. 1970-1-2339.
- [13] Honoré, A.M; International Encyclopedia of Comparative Law; volume XI, Torts, chapter 7, 1983.
- [14] Viney (Geneviève) Traité de droit civil, Les obligations, La responsabilité: Conditions. L. G. D. G., 1982.
- [۱۵] امیری قائم مقامی، عبدالمجید؛ کلیات حقوق تعهدات: وقایع حقوقی؛ نشر میزان و دادگستر، تهران، ۱۳۷۸.
- [۱۶] جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ دائره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت؛ بنیاد راستاد، تهران، ۱۳۵۷.
- [۱۷] عمید زنجانی، عباسعلی؛ موجبات ضمان، درآمدی بر مسؤولیت مدنی و اسباب آثار آن در فقه اسلامی؛ نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲.



- [۱۸] درودیان، حسنعلی؛ جزوه حقوق مدنی؛ انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- [۱۹] ژوردن، پاتریس؛ تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی؛ ترجمه و تحقیق مجید ادیب، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۶.
- [۲۰] صفایی، سید حسین؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی: تعهدات و قراردادهای؛ مؤسسه عالی حسابداری تهران، ۱۳۵۱.
- [۲۱] جمعی از قضات؛ گزیده آراء دادگاههای حقوقی؛ نشر میزان، تهران، ۱۳۷۴.
- [۲۲] بجنوردی، میرزا حسن؛ القواعد الفقہیہ؛ ج ۲، نشر الہادی، قم، ۱۳۷۷.
- [۲۳] محقق حلی، ابوالقاسم نجمالدین؛ شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام؛ انتشارات استقلال، تهران، ۱۴۰۹ ه.ق.
- [۲۴] نجفی، محمد حسن؛ جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام؛ المکتبہ الاسلامیہ، تهران، ۱۴۰۴ ه.ق.